

## روزهای واپسین زندگی شهید نادر علی "پویا" در زندان

جامعه شناسان را عقیده بر اینست که ، دولتی که مشروعیت داشته باشد ، دارای قدرت و نفوذ دولت داری نیز می باشد . اما دولت های غیر مشروع به اتکای زور و اجبار و به زندان کشیدن و کشتار ، به فرمانروایی می پردازند .

دولت کودتای ثور ، با زایش نامشروع خویش ، تا روزهای واپسین حیات نیز این لکه نامشروعیت را در جبین داشت .

یک نگاه اجمالی کافیت تا بدانیم که ، مشغولیت عمده این دولت نامشروع از سرکوب و وحشیانه ، جلوگیری از آزادی بیان و مطبوعات ، ممنوع کردن هر نوع اندیشه ضد روسی ، اختناق و فضای پولیسی ، تعقیب ، بگیری و بند ، زندان و شکنجه و اعدام و رعب و وحشت بی حد و حصر و بمباردمان ، حکایت دارد .

دولت با ملت درگیر بود و از بکاربرد هیچ وسیله نافرینی ، درین جنگ ، ابا نوزید .

درین دوره ، افزون به ارتکاب هزاران جنایت دیگر ، شاهد دستگیری های گسترده بی مخالفین سیاسی دولت ، نیز بوده ایم ، و رژیم کودتا درین عرصه نیز ، مانند عرصه های دیگر ، چهره بی نهایت وحشی و درنده از خود به نمایش گذاشت و در زندان های خود ، قساوت و شقاوت را به حد اعلا رساند .

از جانب دیگر ، درین زندان ها شاهد قهرمانانه ترین و شجاعانه ترین پایداری ها و رادمردی هایی نیز هستیم که در مقابل شکنجه های وحشیانه دژخیمان رژیم ایستادگی نموده و سر تسلیم به آنها فرود نیاورده اند .

عظمت مبارزه و مقاومت کسانی که حتا زندگی شان را از دست دادند و خواست دژخیمان خادیت را اجابت نکردند ، بدون شک هر انسان با وجدانی را به احترام و تحسین برمی انگیزد .

چنین عظمت هایی را با کدامین کلمات می توان توصیف کرد ؟

بدون شک الهام بخش آن آزاده انسان های این سرزمین و جان باختگان راه آزادی در امر مقاومت و مبارزه ، ایمان و اعتقاد راسخ آنان به آزادی و انتخاب راه شان بوده است . مرگ آنان نیز ، به سهم خود ، روشنگر مقاومت دلیرانه نسلی از فرزندان نستوه کشور ما و لکه ننگ دیگری بر دامان جنایات حزب دموکراتیک خلق افغانستان است .

از میان آن فرزندان آزاده کشور یکی هم انجنیر نادر علی "پویا" است ، که مرگ را پذیرفت ولی تسلیم نگردید .

من شاهد روزهای واپسین زندگی آن آزاده مرد "پویا" بوده ام. نمونه از صفا و صداقت و وجودش مملو از کینه و نفرت عمیق به دشمنان افغانستان بود. غرور و پامردی و متانت او همه زندانیان را به احترامش وا می داشت. می دانست که اعدام می شود، ولی نمی خواست، ازین ناحیه کسی را اندوهگین سازد. خودش را نیز هیچگاهی اندوهگین نیافتیم. تا نیمه های شب کتابی به دست می داشت و مصروف مطالعه می بود. وقتی هم بالای سفره غذا می نشست، با دست راستش غذا می خورد و در دست چپ کتابی را می گرفت و مطالعه می کرد.

خوب به خاطر دارم، روزی یکی از زندانیان از او سوال کرد که :

انجنیر صاحب ، شما از مرگ نمی ترسید ؟

و "پویا" جواب داد :

برای من مرگ و اسارت یک مفهوم را دارند ، همان طوری که آزادی و زندگی . پس اگر بخواهیم با سرفرازی زندگی کنیم ، باید آزادی داشته باشیم ، ولی اگر اسیر باشیم به خودی خود مرگ است ، مبارزه در راه آزادی قربانی می طلبد و جان های بسیاری را می گیرد. پس اگر هر کدام ما صرف در فکر حفظ سلامت جان خود باشیم ، آزادی به خودی خود به دست نمی آید و روس ها حاضر نمی شوند آن را برای ما به هدیه بدهند . دشمن با حذف فزیک ما اندیشه و راه ما را نمی تواند نابود سازد. درفش آزادی از انسانی به انسانی و از نسلی به نسلی می رسد و سرانجام به منزل پیروزی راه میابد. خواه من زنده باشم و یا نباشم، آن روز حتما " آمدنیست. جنایات روس ها و حزب دموکراتیک خلق ، در حق مردم ما ، برای من آنقدر آشکار و نفرت انگیز است ، که اصلا" نمی توانم تصور نمایم برای زنده ماندن به آنها تسلیم شوم .

و "پویا" با تحمل شکنجه های سخت و مداوم و مقاومت در برابر آنها ، ثابت کرد که، آنچه می گفت تنها حرف نبود و آن گفته ها عقاید والای او بودند . و اکنون این حقیقت در برابر چشم همه گان قرار دارد .

قسمتی از سوال و جواب تحقیق ، که به وسیله آقای رزاق مامون ، در سایت کابل پریس به نشر رسیده است ، بیان از تأیید گفته های بالا دارد .

داشتن چنین موضع صریح ، قاطع و روشن ، پس از تحمل شکنجه های فراوان ، بدون داشتن ایمان محکم به آرمان ، غیرممکن به نظر می رسد .

در ماه سنبله سال 1361 ، حدود دوصد نفر ، در یکی از اتاق های بلاک سوم زندان پلچرخی، به سر می بردیم . در آن روز ها رژیم تشنه به خون کودتا دست به جنایت هولناکی زد و هفتاد تن از هم اتاقی های ما را ، در یک روز ، روانه کشتار گاه هایی ساخت که، قبلا" نیز ، خون هزاران فرزند دیگر راه آزادی، در آنجا ریختانده شده بود .

ونادر علی "پویا" نیز ، در همان روز ، پس از تحمل شکنجه های فراوان، به آن کشتارگاه های انسانیست ، فرستاده شد. به یقین اگر او زنده می بود ، امکان افشای موارد گسترده تری

از فجایع و جنایت های حزب دموکراتیک خلق افغانستان و سازمان شکنجه گر "خاد" ،  
فراهم می گشت .

وقتی از " پویا " یاد می کنیم ، هزاران فرزند گمنام این مرزو بوم رانیز به خاطر می آوریم  
که ظالمانه تیر باران شدند و ، اکنون که سر در نقاب خاک کشیده اند ، معصومانه خواستار  
به محاکمه کشانیدن قاتلین خود هستند .

یاد همه آن عزیزان را گرامی می داریم

قسمتی از سوال و جواب جریان تحقیق نادر علی " پویا " ، که از سایت کابل پریس گرفته  
شده است . نویسنده مقاله : محترم آقای رزاق مامون .

**محترم نادر علی!**

آیا حاضر هستید با رعایت پروسه تحقیق در صورتی که از اعمال گذشته خویش پشیمان باشید، جنایت و اعمال  
باند «ساما» و اندیشه انحرافی مائو رابه اطلاع عام از طریق اطلاعات جمعی می رسانید یا چطور؟ درزمینه  
تصمیم خویش را اعلام دارید.

**امضاء مستنطق**

جواب نادر علی پویا:

**محترما!**

سرنوشت من به ترتیبی بوده که عضو سازمان آزادی بخش مردم افغانستان شوم. برای مردی در موقعیت  
من، شرم آمیز خواهد بود اگر عضویت خود را ناشی از اشتباه انتخاب و تصادف نامیمون بدانم. به اساس  
تمهید بالا، از عضویت و سهم گیری خود، در حد توان، در «ساما» پشیمان و نادم نمی باشم. تا جایی که به من  
معلوم است «ساما» از جمله خودم، با اندیشه ای مائو کدام تعلق خاطر و گرایش متعهدانه ندارم. این مسأله را  
صرف غرض توضیح در پیشگاه قضاوت سیاسی تاریخ نمودم.

با احترام

**نادر علی**

111

ریاست عمومی خدمات اطلاعات دولتی  
مدیریت عمومی

ردیف	شرح	ملاحظات
1	تعمیرات و نگهداری	تعمیرات اساسی و تزئینی بود. از عیوض و بنا آزاد بود. مردم و رعایت آن کشور و افراد فردی در امور کشور از این امر خود و دیگر عیوض بود که آن استعداد و حیثیت و سعادت و قبول ما را نمیباشد. در این عیوض و عیوض آن مورد توجه در این عیوض و عیوض آن و با این عیوض و عیوض مورد توجه و عیوض و عیوض آن مورد توجه باشد. در این عیوض و عیوض آن مورد توجه این عیوض و عیوض آن مورد توجه و عیوض آن عیوض و عیوض آن مورد توجه و عیوض
2	تعمیرات و نگهداری	تعمیرات اساسی و تزئینی بود. از عیوض و بنا آزاد بود. مردم و رعایت آن کشور و افراد فردی در امور کشور از این امر خود و دیگر عیوض بود که آن استعداد و حیثیت و سعادت و قبول ما را نمیباشد. در این عیوض و عیوض آن مورد توجه در این عیوض و عیوض آن و با این عیوض و عیوض مورد توجه و عیوض و عیوض آن مورد توجه باشد. در این عیوض و عیوض آن مورد توجه این عیوض و عیوض آن مورد توجه و عیوض آن عیوض و عیوض آن مورد توجه و عیوض
3	تعمیرات و نگهداری	تعمیرات اساسی و تزئینی بود. از عیوض و بنا آزاد بود. مردم و رعایت آن کشور و افراد فردی در امور کشور از این امر خود و دیگر عیوض بود که آن استعداد و حیثیت و سعادت و قبول ما را نمیباشد. در این عیوض و عیوض آن مورد توجه در این عیوض و عیوض آن و با این عیوض و عیوض مورد توجه و عیوض و عیوض آن مورد توجه باشد. در این عیوض و عیوض آن مورد توجه این عیوض و عیوض آن مورد توجه و عیوض آن عیوض و عیوض آن مورد توجه و عیوض
4	تعمیرات و نگهداری	تعمیرات اساسی و تزئینی بود. از عیوض و بنا آزاد بود. مردم و رعایت آن کشور و افراد فردی در امور کشور از این امر خود و دیگر عیوض بود که آن استعداد و حیثیت و سعادت و قبول ما را نمیباشد. در این عیوض و عیوض آن مورد توجه در این عیوض و عیوض آن و با این عیوض و عیوض مورد توجه و عیوض و عیوض آن مورد توجه باشد. در این عیوض و عیوض آن مورد توجه این عیوض و عیوض آن مورد توجه و عیوض آن عیوض و عیوض آن مورد توجه و عیوض
5	تعمیرات و نگهداری	تعمیرات اساسی و تزئینی بود. از عیوض و بنا آزاد بود. مردم و رعایت آن کشور و افراد فردی در امور کشور از این امر خود و دیگر عیوض بود که آن استعداد و حیثیت و سعادت و قبول ما را نمیباشد. در این عیوض و عیوض آن مورد توجه در این عیوض و عیوض آن و با این عیوض و عیوض مورد توجه و عیوض و عیوض آن مورد توجه باشد. در این عیوض و عیوض آن مورد توجه این عیوض و عیوض آن مورد توجه و عیوض آن عیوض و عیوض آن مورد توجه و عیوض